

فهرست |

پیش‌گفتار | ۹

فصل اول: عزاداری، فلسفه و تاریخچه آن |

۱. عزاداری از چه زمانی آغاز شد؟ ۱۵
۲. چرا عزاداری می‌کنیم؟ (فلسفه عزاداری) ۱۷
۳. چرا در عزاداری امام حسین علیه السلام باید گریست؟ ۱۸
۴. در روان‌شناسی گریه کردن نهی شده است. پس چرا در عزاداری گریه می‌کنیم؟ ۲۱
۵. نقش گریه در خودسازی ۲۶
۶. چگونه باید عزاداری کنیم؟ ۲۸
۷. چرا مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام هر سال شور و نشاط بیشتری به خود می‌گیرد؟ ۳۲

فصل دوم: جایگاه و شخصیت امام حسین علیه السلام |

۱. آیا در قرآن کریم از امام حسین علیه السلام سخنی به میان آمده است؟ ۳۹
۲. امام حسین علیه السلام در کلام سایر امامان علیهم السلام چگونه معرفی شده است؟ ۴۹
۳. چرا فقط برای امام حسین علیه السلام مراسم اربعین می‌گیرند؟ ۵۲
۴. چرا به امام حسین علیه السلام «ثارالله» می‌گویند؟ ۵۳

۵. این کلام امام حسین علیه السلام که می‌فرمایند: «أنا قتيل العبرات؛ من کشته اشک‌ها هستم» به چه معناست؟ ۵۴

فصل سوم: نهضت عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام |

۱. اهداف قیام امام حسین علیه السلام چه بود؟ ۵۹

الف) امر به معروف و نهی از منکر ۵۹

ب) زدودن بدعت‌ها، انحراف‌ها و کج‌روی‌های امت اسلامی ۵۹

ج) زنده کردن سنت‌های ترک‌شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۵۹

د) بیعت نکردن با خلیفه فاسد و منحرف ۶۰

ه) مخالفت با ظلم و فساد آشکار دستگاه یزید و امویان ۶۱

و) استقرار عدالت و قوانین اسلام در جامعه ۶۳

ز) زنده کردن روح مقاومت اسلامی در جامعه ۶۴

ح) احیای روحیه شهادت‌طلبی ۶۵

۲. چرا امام حسین علیه السلام مانند امام حسن علیه السلام صلح نکرد؟ ۶۶

۳. برخی معتقدند عاشورا معلول اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای و نتیجه خشونت‌های پیامبردر

جنگ‌های صدر اسلام، مانند بدر و احد است. آیا این موضوع صحت دارد؟ ۷۰

۴. عوامل جدایی مردم کوفه از نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و در نهایت به شهادت رساندن ایشان چه بود؟ .. ۷۳

الف) سیاست‌های روانی ۷۵

ب) سیاست‌های اجتماعی ۷۵

ج) سیاست‌های اقتصادی ۷۵

د) سیاست‌های نظامی ۷۶

۵. چرا امام حسین علیه السلام شهر کوفه را برای قیام انتخاب کرد؟ مگر کوفه چه ویژگی‌هایی داشت؟ ۷۷

الف) موقعیت جغرافیایی کوفه ۷۷

ب) موقعیت سیاسی - نظامی شهر کوفه ۷۷

ج) عراق، مهد تشیع و مأمَن هواداران اهل بیت علیهم السلام ۷۸

د) کوفه کانون مبارزه با حکومت اموی ۷۹

- ه) دعوت کوفیان از امام علیه السلام ۸۱
- و) عراق قتلگاه برگزیده ۸۲
- ز) اجرای فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ۸۳
۶. از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن خطر جانی و مالی است. پس چرا امام حسین علیه السلام جان و مال خود را به خطر انداخت؟ ۸۵
۷. آیا لعن قاتلان و دشمنان امام حسین علیه السلام جایز است؟ ۸۸

فصل چهارم: توسل و شفاعت |

۱. با وجود خدا و دسترسی آسان به او، چه نیازی به واسطه و توسل و شفاعت داریم؟ ۹۵
۲. آیا شفاعت خواستن از مردگان صحیح است؟ ۱۰۱
۳. چرا به زیارت قبور، به ویژه، قبر امامان معصوم علیهم السلام می رویم؟ ۱۰۷
۴. آیا ساختن ضریح و گنبد و گلدسته برای قبر امامان علیهم السلام مصادق زینت و شرک است؟ ۱۱۳
- الف) دستور و تأیید قرآن کریم ۱۱۴
- ب) تعظیم شعائر الهی ۱۱۵
- ج) بنای مقبره از مصادیق مودت ذوی القربی ۱۱۵
- د) بنای مقبره، مصادق ترفیع بیوت ۱۱۶
- ه) تکفیر بیون و افراط گرایان و اعتقاد آنها به مشرک بودن سایر مسلمانان ۱۱۷
- اشعار زیبایی در مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام و یاران بزرگوارشان | ۱۱۹
- کتاب نامه | ۱۲۱
- آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب | ۱۲۹

پیش‌گفتار |

نهضت مقدس عاشورا در زنده نگه داشتن اسلام و ستم‌ستیزی مسلمانان به‌ویژه شیعیان و بلکه همه آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان عالم، نقش اساسی داشته و دارد. اهمیت و تأثیرگذاری احیاء و سازندگی این حادثه سبب شده تا برخی به انگیزه‌های گوناگون دست به کار شوند و این نهضت مقدس را حرکتی غیر منطقی و نابخردانه جلوه دهند و بر ضد این نهضت مقدس و بزرگ شبهات و ابهاماتی را نشر و ترویج دهند.

دشمنان بشریت و اسلام به خوبی فهمیده‌اند که ملت‌ها برای نجات از ظلم و ستم و برای به دست آوردن عزت و آزادی می‌توانند با الگوپذیری از نهضت عاشورا در برابر ظلم و ستم آنها بایستند.

شهید مطهری علیه السلام معتقد است شهادت امام حسین علیه السلام اسلام را تجدید حیات کرد؛^۱ زیرا نهضت او یک حماسه بزرگ الهی و اسلامی بود و حیات

۱. مرتضی مطهری علیه السلام، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۹۱-۱۰۴.

تازه‌ای در عالم اسلام دمید و پس از شهادت ایشان، رونقی در اسلام پیدا شد. امام حسین علیه السلام با حرکت بزرگ خود، روح مسلمانان را زنده کرد. ترس را ریخت و احساس بردگی و اسارتی را که در تمام دوره معاویه بر روح جامعه حکم فرما بود، تضعیف کرد و به عبارت دیگر، به جامعه اسلامی شخصیت داد. احساس شخصیت مسئله بسیار مهمی است که سرمایه‌ای بالاتر از آن برای اجتماع وجود ندارد. آنچه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به مردم عرب داد و آنان را از حضيض پستی به اوج عزت رساند، ایمانی بود که به آن مردم شخصیت داد. اما در مقابل، امویان با سیاست‌های خود موجب از بین رفتن شخصیت اسلامی شدند ولی امام حسین علیه السلام آن شخصیت را احیا کرد.

شخصیت دادن به یک ملت به این است که به آنها عشق و هدف داده شود، یا اینکه گرد و غبار را از روی آن عشق‌ها پاک کرد. بعد از بیست سال که تعالیم اسلام فراموش شده بود، امام حسین علیه السلام فرمود:

«وعلى الاسلام السلام اذ قد بُليت براع مثل يزيد... اتى لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، انما خرجت لطلب الاصلاح فى امة جدى»^۱

او حس استغناء و بی‌نیازی به مردم داد و درس غیرت، بردباری و تحمل شداید و سختی‌ها را به آنان آموخت. پس در جواب اینکه می‌گویند حسین بن علی علیه السلام چه کرد که دین اسلام زنده شد، باید گفت که او روح تازه‌ای در جامعه اسلامی دمید، خون‌ها را به جوش آورد، ترس مردم را ریخت و همان مردم ترسو، به یک عده مردم دلاور تبدیل شدند.^۲

۱. عبدالرزاق مقدم، مقتل الحسين علیه السلام، ص ۱۵۶؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ص ۸۹.

۲. مرتضی مطهری رحمته الله علیه، حماسه حسینی، ج ۱، صص ۱۶۱-۱۷۴.

حادثه کربلا دو صفحه بی نظیر دارد: صفحه سفید و نورانی و صفحه تاریک و سیاه و ظلمانی.

به تعبیر استاد شهید مطهری رحمته‌الله که می‌فرمایند:

«از نظر تنوع جنایت بی مانند است. به گونه‌ای که حتی در جنگ‌های صلیبی و آنچه اروپائی‌ها در اندلس مرتکب شدند به پای آن نمی‌رسد. اگر فقط به این صفحه نگاه کنیم فقط باید شعر مرثیه بگوییم و بس.

صفحه دیگر آن حماسه و افتخار و نورانیت، تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است و بشریت حق دارد در برابر آن به خود ببالد. جنبه حماسی این حادثه صد برابر جنبه جنایی آن می‌چربد. امام حسین علیه‌السلام یک مکتب است و پس از شهادتش زنده‌تر می‌شود. بنی‌امیه گمان می‌کرد حسین علیه‌السلام را کشت و تمام شد، ولی بعد فهمید که امام حسین علیه‌السلام زنده‌تر شد. تربت او کعبه صاحب‌دلان است و باز تصمیم گرفتند قبرش را خراب کنند، اما هرگز موفق نشدند نام و یاد و مکتب او را از بین ببرند. از نظر اسلام، شهادت امام حسین علیه‌السلام از دیدگاه فردی و اجتماعی موفقیت‌آمیز بود»^۱.

هنگامی که دشمنان اسلام، همه راه‌های مقابله با نهضت عاشورا را بسته یافتند دست به تحریف و ترویج شبهات و ایجاد ابهامات در این نهضت عظیم پرداختند تا به زعم خود با این شیوه درس‌های عاشورا را تضعیف و کم‌رنگ کنند، ولی خون حسین بن علی و حماسه ماندگار او هر روز پراوازه‌تر

۱. مرتضی مطهری رحمته‌الله، حماسه حسینی، ج ۱، صص ۱۶۱-۱۷۴.

می‌شود و نام حسین در میان مبارزان و آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان مانند گوه‌ری تابان می‌درخشد و هر جا سخن از مبارزه بر ضد ظلم و ظالمان است، نهضت عاشورا به عنوان یک الگو مطرح است.

مجموعه حاضر در بردارنده پرسش و پاسخ‌هایی در مورد نهضت عاشورا و موضوعات دیگر در باره آن می‌باشد که در واقع این نوشتار پاسخ به برخی از شبهات و ایهامات در مورد قیام امام حسین علیه السلام می‌باشد و با عنوان پرسمان عاشورایی «رسالت حسینی» در دو مجلد تنظیم شده است.

در جلد اول چهار فصل با عناوین: عزاداری، فلسفه و تاریخچه آن؛ جایگاه و شخصیت امام حسین علیه السلام؛ نهضت عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام و توسل و شفاعت، تدوین و در ذیل هر فصل پرسش و پاسخ‌هایی مطرح گردیده است. این اثر را به سید شهدای کربلا و سایر شهداء و آزادی‌خواهانی که به آن حضرت و یارانش اقتدا کردند و بر ضد ظلم و ستم قیام نمودند، تقدیم می‌کنم. امیدوارم مرضی رضای خداوند متعال و موجب شادی روح حسین بن علی علیه السلام شود.

علی امیرخانی

قم مقدس

محرم ۱۴۳۷ قمری، ۱۳۹۴ شمسی

۱. عزاداری از چه زمانی آغاز شد؟

از روایات اسلامی چنین استفاده می‌شود که پیشینه عزاداری به عصر پیامبران بازمی‌گردد؛ چنان که در روایات آمده است همه انبیای الهی برای حضرت حسین بن علی علیه السلام عزاداری کرده‌اند:

«... وَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَبِأَيِّ إِلَهِيهَا وَيُزُورُهَا وَيَبْكِي عَلَى مُصَابِيهِ وَلِكَرْبَلَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ زِيَارَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ يَنْزِلُ إِلَيْهَا تِسْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَكُونُ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام وَيَذْكُرُونَ فَضْلَهُ...»^۱

... هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه به کربلا آمده و آن را زیارت کرده و بر مصیبت‌های آن گریسته است و هر روز جمعی از ملائکه، جنیان و انسان‌ها به زیارت کربلا می‌آیند؛ و زمانی که شب جمعه فرا برسد، هفتاد هزار فرشته به کربلا می‌آیند و برای امام حسین علیه السلام گریه و

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۵.

عزاداری می‌کنند و به نقل فضایل آن حضرت می‌پردازند...».

همچنین می‌توان به نمونه‌هایی از عزاداری پیامبران بر غیر حضرت امام حسین علیه السلام هم اشاره کرد؛ مانند:

الف) گریه و عزاداری حضرت یعقوب علیه السلام در شنیدن خبر مرگ حضرت یوسف علیه السلام:

﴿...يَا أَسْفَى عَلَى يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ!﴾

...گفت: وا اسفا بریوسف! و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می‌برد [و هرگز کفران نمی‌کرد].

ب) گریه و عزاداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شهادت حضرت حمزه علیه السلام:

ج) گریه و عزاداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رحلت حضرت خدیجه علیه السلام و حضرت ابوطالب علیه السلام:

د) گریه و عزاداری حضرت زهرا علیه السلام در رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

بنابراین عزاداری و گریه اولیای الهی بر عزیزان و بندگان نیکسرشت خداوند متعال، دارای پیشینه‌ای طولانی است.

مراسم عزاداری برای حضرت امام حسین علیه السلام در میان شیعیان ایران به صورت گسترده و سازمان یافته، اولین بار سال ۳۵۲ و ۳۵۳ ق در حکومت آل بویه و به دستور معزالدوله انجام شد؛ به این صورت که اعلام کردند مردم با پوشیدن جامه سیاه، اندوه خود را ابراز کنند.

این مراسم در زمان صفویه که مذهب تشیع را مذهب رسمی اعلام کرد، و بعد از آن هم در زمان کریم خان زند ادامه یافت.

مراسم عزاداری در زمان حکومت قاجار، به ویژه ناصرالدین شاه، بسیار باشکوه و چشم‌گیر بوده است و علاوه بر روز عاشورا، در دهه اول محرم و نیز ایام شهادت دیگر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام هم مراسم عزاداری برگزار می‌شد. مراسم عزاداری در دوران پهلوی اول و دوم به تدریج محدود شد، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی دوباره رونق چشم‌گیری یافت و دسته‌های عزاداری به صورت منظم و منسجم شکل گرفتند. آنها حتی با مشارکت در برخی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی، به نظام جمهوری اسلامی کمک می‌کردند.

۲. چرا عزاداری می‌کنیم؟ (فلسفه عزاداری)

بی‌شک هدف از عزاداری و برگزاری مراسم نوحه و عزا در رثای بزرگان دین، تنها گریه بر مظلومیت آنها نیست؛ بلکه اهداف مهم دیگری نیز در این امر مهم نهفته است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) حفظ و زنده نگه داشتن اسلام: امام خمینی رحمته‌الله در این باره

می‌فرماید:

«روضه سیدالشهداء علیه‌السلام برای حفظ مکتب سیدالشهداست. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهداء علیه‌السلام را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهداء علیه‌السلام چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها حفظ کرده این مکتب را»^۱.

ب) برقراری پیوند عمیق قلبی با پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بویژه امام عصر علیه‌السلام؛

ج) آشنایی با معارف دینی و نشر آن در کنار عزاداری حضرت

سیدالشهداء علیه السلام؛

د) تربیت و تزکیه نفس با فراگرفتن آموزه‌های عاشورا؛

ه) اعلان عمومی حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم: همان گونه که حضرت

امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا خطاب به یاران گران قدر خود فرمودند:

«فَاتِي لَأَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا!»

به درستی که من مرگ را جز سعادت نمی بینم و زندگی با ستمگران

را جز خواری و ذلت نمی دانم».

و) ایجاد یکپارچگی در میان اقشار گوناگون مردم: امام خمینی علیه السلام

می فرماید:

«ما ملت گریه سیاسی هستیم که با همین اشک، سیل جریان می دهیم

و خرد می کنیم سدهایی که در مقابل اسلام ایستاده است...»^۲

همه روزه بخوانند، همه گریه بکنند، از این هماهنگ تر چه؟ شما

در کجا سراغ دارید که یک ملتی این طور هماهنگ بشود؟ کی اینها

را هماهنگ کرده؟ اینها را سیدالشهداء علیه السلام هماهنگ کرده است... در

کجای عالم سراغ دارید مردم این طور هماهنگ باشند... این

هماهنگی را از دست ندهید».^۳

۳. چرا در عزاداری امام حسین علیه السلام باید گریست؟

الف) مهم ترین دلیل گریه بر مصیبت های کربلا، پاداش فراوانی است که در

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶.

۲. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۳. همو، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

روایات متعدد برای این کار بیان شده و شیعیان را به آن ترغیب کرده‌اند؛ چنان که برای گریه کردن و به گریه درآوردن دیگران و حتی تظاهر به گریه در عزای امام حسین علیه السلام، وعده بهشت داده شده است:

«قَالَ ابْنُ طَاوُوسٍ: رُوِيَ عَنْ آلِ الرَّسُولِ عليهم السلام أَنَّهُمْ قَالُوا: مَنْ بَكَى وَأَبْكَى فِينَا مِائَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ بَكَى وَأَبْكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ بَكَى وَأَبْكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ بَكَى وَأَبْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ بَكَى وَأَبْكَى وَاجِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ!»^۱

... هرکس در مصیبت ما (اهل بیت علیهم السلام) گریه کند و یا صد نفر را بگریاند، پاداش او بهشت است و اگر گریه کند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت برای اوست و اگر گریه کند و سی نفر را بگریاند، باز هم پاداش او بهشت است و اگر گریه کند و بیست نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست و اگر گریه کند و ده نفر را بگریاند همچنین بهشت پاداش اوست و اگر گریه کند و یک نفر را هم بگریاند، پاداش او بهشت است و همچنین کسی که حالت گریه و تباکی داشته باشد، بهشت پاداش اوست».

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله... وَكُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَأَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنَ بَكْتٍ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهَا ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ...»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هرکس که در مصیبت امام حسین علیه السلام گریه کند، ما دستش را می‌گیریم و او را داخل بهشت می‌کنیم. ای فاطمه!

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.

۲. همان.

هرچشمی فردای قیامت گریان است غیر از چشمی که در مصیبت حسین علیه السلام گریه کند؛ به راستی که صاحب آن چشم، خندان خواهد شد و مزده نعمت‌های بهشت به وی داده خواهد شد».

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَفْسُ الْمَهْمُومِ إِظْلَمْنَا تَسْبِيحَ وَهَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ؛^۱
...امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نفس کسی که به خاطر مظلومیت ما اندوهگین شود تسبیح است و ناراحتی او برای ما، عبادت است...».

ب) یکی از نمادهای عزاداری، گریه است که افراد به وسیله آن، هم‌دردی عمیق درونی خود را با صاحب عزا و خاندان او ابراز می‌دارند؛ پس شایسته است که هم‌دردی خود را با خاندان رسالت، به ویژه حضرت زهرا علیها السلام ابراز کند و مورد عنایات خاص آن حضرات قرار گیرد.

ج) عزاداری و گریه بر مصیبت‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام از مصادیق برجسته تولی و تبری است که جزء فروع دین شمرده شده و دلیل واضح آن هم این آیه قرآن است که می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛^۲

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت علیهم السلام)﴾.

د) سفارش پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز همین است که مؤمنان در مصیبت‌های آنان غمناک، و در شادی‌هایشان شاد باشند:

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۱.

۲. شوری، آیه ۲۳.

«قال علی علیه السلام...: **وَاخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفِرْجَانَا وَيَحْزِنُونَ لِحَزِينِنَا...**»^۱

امام علی علیه السلام می فرماید: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در غم و اندوه ما محزون می گردند.»

۴. در روان شناسی گریه کردن نهی شده است. پس چرا در عزاداری گریه

می کنیم؟

گریه انواعی دارد که برخی از آنها در شرع و عرف و علم روان شناسی، ستایش و حتی سفارش شده است و برخی دیگر نکوهش شده اند. انواع گریه و پیام هایی را که اشک ها بیان می کنند، می توان چنین برشمرد:

۱. **گریه عجز و زبونی:** افرادی که بر اثر ناآگاهی، ساده لوحی یا بی پروایی خودشان و یا احیاناً به دلیل ستم شخص یا جریانی ناصالح، به ورطه ذلت و مظلومیت افتاده اند و برای منافع و هستی خویش احساس خطر می کنند، راه چاره را در گریه می جویند که این نوع گریه، گریه از سر ناتوانی و ذلت است. صائب تبریزی چنین می سراید:

اظهار عجز پیش ستمگر را مدار / اشک کباب باعث طغیان آتش

۲. **گریه تزویر و دروغ:** هنگامی که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام به بهانه گردش و بازی، حضرت یوسف علیه السلام را به صحرا بردند و به دلیل حسادتشان او را به چاه انداختند، در مقابل پدر گریه کردند و پیراهن خونین برادرشان را نشان دادند:

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۷، ذیل ح ۲۴؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۲.

«و جاؤا اباهر عشا ییکون»^۱

و شبانه با چشم‌گریان نزد پدر بازگشتند».

البته گریه آنان دروغین بود.

۳. گریه پشیمانی: امام علی علیه السلام فرموده است:

«من بکی من ذنب، غفرله»^۲

هرکس به دلیل گناهی که انجام داده، گریه کند، آمرزیده می‌شود».

امام صادق علیه السلام نیز از اجداد خود روایت کرده که حضرت عیسی بن

مریم علیها السلام فرموده است:

«طوبی لمن... بکی علی خطیته»^۳

خوشا به حال کسی که برای گناهی که مرتکب شده، گریه کند».

ملای رومی، می‌گوید:

زانکه آدم زان عتاب، از اشک
اشک‌تر باشد، دم توبه پرست

بهرگریه، آدم آمد برزمین
تا بود نالان و گریان و حزین^۴

۴. گریه شوق: گریه شوق یکی از جلوه‌های زیبای احساس و دلدادگی

آدمی است؛ مانند اشک مادری که پس از سال‌ها دوری، فرزند دل‌بند خویش

را در آغوش می‌گیرد؛ یا عاشقی که بعد از فراق طولانی به وصال معشوق دست

می‌یابد و اشک شوق می‌ریزد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. یوسف، آیه ۱۶.

۲. حسن دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۱۲۹.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

۴. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۴۴.

«من بکی شوقا الی الجنه اسکنه الله فیها، وکتب له إمانا من الفزع الاکبر؛^۱
هرکس از سراشتیاق برای بهشت گریه کند، خداوند متعال او را در
آنجا سکونت دهد و سند و امان نامه او را از وحشت و اضطراب
بزرگ روز قیامت می نویسد».

۵. گریه رحم و دلسوزی: آنچه انسان در سینه دارد، قلب است، نه سنگ.
قلب در برابر صحنه های دردناکی همانند جاری شدن اشک یتیم یا درد
کشیدن بیمار دردمند یا بیچارگی پیرمردی ناتوان و تهیدست، متأثر می شود و
اشک را از چشم سرازیر می کند.

در سال هشتم هجرت، رسول خدا ﷺ ابراهیم، فرزند خود را از دست داد و
او را در قبرستان بقیع مدینه به خاک سپرد. آن حضرت برای آن کودک
از دست رفته به قدری گریست که اشک بر محاسنش جاری گردید. به آن
حضرت گفته شد: ای رسول خدا تو دیگران را از گریه منع می کردی؛ اکنون
خود گریه می کنی؟! آن حضرت فرمود:

«لیس هذا بکاء (غضب)، انما هذا رحمة، ومن لایرحم لایرحم؛^۲

این گریه خشم و نارضایتی نیست، بلکه گریه رحمت و دلسوزی
است و هرکس رحم نکند، مورد رحمت واقع نمی شود».

۶. گریه غم و اندوه: گریه از سرغم و اندوه نیز از گریه های طبیعی و غریزی
انسان است. قرآن کریم وقتی داستان مؤمنان مجاهدی را بازگو می کند که
رسول خدا ﷺ به سبب ناتوانی مالی، از اعزام آنان به جبهه جنگ خودداری

۱. حسن دیلمی، ارشاد القلوب، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱؛ عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۱.

کرده بود، می‌فرماید:

﴿تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾^۱

آنان در حالی که از شدت اندوه، اشک از چشمانشان فرو می‌ریخت، برمی‌گشتند که [چرا] چیزی نمی‌یابند تا [در راه جهاد] خرج کنند».

۷. گریه فراق: این نوع گریه به دلیل دوری و جدایی از عزیزی، یا نبودن در کنار محبوب و محروم بودن از دیدار معشوق است.

سوگواری و عزاداری برای حضرت حسین علیه السلام و شهیدان کربلا و گریه به دلیل محروم شدن از یاری کردن آن مقتدای بزرگ، مصداقی از این نوع گریه است؛ چنان که خطاب به آن حضرت می‌گوییم:

﴿يَا لَيْتِي كُنْتُ مَعَكَ، فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^۲

ای کاش ما هم در کنار تو بودیم (تو را یاری می‌دادیم و جهاد می‌کردیم و به شهادت می‌رسیدیم) و به آن سعادت بزرگ دست می‌یافتیم».

براین اساس می‌توان گفت که گریه نوع اول و دوم (گریه عجز و زبونی، گریه تزویر و دروغ) گریه‌های نادرست و نکوهش شده هستند و گریه‌های دیگر، هر کدام مرتبه‌ای از ارزش را دارند.

داستان گریه و عزاداری امامان پس از شهادت امام حسین علیه السلام بحثی دامنه‌دار است که به دلیل فرصت محدود این نوشتار، تنها به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. توبه، آیه ۹۲.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت ششم امام حسین علیه السلام، ص ۴۲۷.

امام چهارم علیه السلام که در ماجرای کربلا ۲۳ سال داشت و خود شاهد مصائب دردناک حسین علیه السلام و یاران فداکار او بود، پس از آن واقعه سوزناک، تا زمانی که در قید حیات بود، یعنی مدت ۳۴ سال طبق برخی از روایات، برای پدر و عزیزان خویش گریه و سوگواری می‌کرد.

علقمه بن محمد حضرمی روایت می‌کند:

«امام باقر علیه السلام برای حسین بن علی علیه السلام گریه و ناله سرمی‌داد [و] به هرکس هم در خانه او بود (با رعایت تقیه) دستور می‌داد گریه کند. در خانه آن حضرت مجلس عزاء و سوگواری برگزار می‌شد و آنان مصیبت حضرت حسین علیه السلام را به هم تسلیت می‌گفتند»^۱.

عبدالله بن سنان می‌گوید:

«روز عاشورایی به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم؛ آن حضرت را با رنگ پریده و بسیار غمناک، در حالی که اشک چون مروارید از چشم او جاری بود یافتم. علت آن وضع را سؤال کردم. فرمود: مگر نمی‌دانی در چنین روزی جد ما حسین علیه السلام شهید شده است...؟»^۲

آن حضرت به ابو هارون مکفوف دستور می‌دهد مرثیه بسراید و آن‌گاه که وی مرثیه می‌خواند، مشاهده می‌کند که امام علیه السلام به شدت گریه می‌کند و از صدای گریه آن حضرت، زنانی که پشت پرده حضور داشته‌اند، صدای خود را به گریه و شیون بلند کرده‌اند. سپس امام علیه السلام فرمود:

۱. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۹۸.

۲. شیخ عباس قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۹۶ (ماده عشر)؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۹.

«من انشد فی الحسین علیه السلام شعرا، فبکی وایکی عشرا، کتب له الجنه...!»
کسی که درباره حسین علیه السلام شعری بسراید و سپس گریه کند و ده نفر
را بگریاند، بهشت براو واجب می‌شود.»
امام رضا علیه السلام فرموده است:

«محرم ماهی است که در روزگار جاهلیت احترام داشت و مردم در
آن از جنگ و خون‌ریزی پرهیز می‌کردند؛ اما دشمنان در آن ماه،
خون ما را ریختند، حرمت ما را شکستند، زنان و عزیزانمان را به
اسارت گرفتند، آتش به خیمه ما زدند، اموالمان را غارت کردند و
سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله را در حق ما پاس نداشتند.»^۲

«ان یوم الحسین علیه السلام اقرح جفوننا و اسیل دموعنا... فعلی مثل الحسین علیه السلام
فلیک الباکون، فان البکا علیه یحط الذنوب العظام»^۳

روز [عاشورای] حسین علیه السلام پلک‌های ما را مجروح، و اشک‌های ما را
روان ساخته... گریه‌کنندگان باید بر کسی مانند حسین علیه السلام گریه
کنند؛ چراکه گریه براو گناهان بزرگ را از بین می‌برد.»

۵. نقش گریه در خودسازی

چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، کسی که از صحنه‌ای دلخراش منقلب
نمی‌شود تا اشک تأثر بریزد و نیز از جلوه زیبایی لذت نمی‌برد تا اشک شوق
جاری گرداند، از روح متعادلی برخوردار نیست. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۱. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۰۴.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۳. همان.

«بكاء العیون و خشیه القلوب من رحمہ اللہ تعالیٰ»^۱

گریه چشم‌ها و ترس دل‌ها از نشانه‌های رحمت خداوندی است». خشک بودن چشم و محروم بودن آن از اشک و ناتوانی در گریه از خوف خدا نیز نشانه قساوت قلب و شقاوت معرفی شده است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«من علامات الشقاء: جمود العین، قسوة القلب...»^۲

از سوی دیگر گریه، به ویژه گریه در عزای سیدالشهداء ﷺ سبب آمرزش گناهان می‌شود. ریان بن شیبب از امام رضا ﷺ روایت کرده که فرمود:

«ای پسر شیبب، اگر بر حسین ﷺ گریه کنی تا حدی که اشک چشمت بر صورتت جاری شود، خداوند گناهان کوچک و بزرگ، و کم یا زیاد تو را می‌آمرزد»^۳.

همچنین فرمود:

«گریه‌کنندگان باید بر کسی همچون حسین ﷺ گریه کنند؛ زیرا گریستن برای او گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد»^۴.

امیر مؤمنان، علی ﷺ نیز می‌فرماید:

«بكاء العبد من خشية الله يمحص ذنوبه»^۵

گریه بنده از ترس خداوند، گناهانش را پاک می‌کند».

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، صص ۳۲۶ و ۳۳۰.

۲. همان.

۳. ابن قولویه قمی، منتخب کامل الزیارات، ص ۱۶۵.

۴. محمدباقر مجلسی، جلاء العیون، ص ۴۶۲.

۵. همان.

گریه در مجلس عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام از نوع گریه عاطفی در فراق آن یار سفرکرده و گریه غم و اندوه و گریه بی‌زاری و برائت از ستم ستمگران در طول تاریخ است که نه در شرع مذموم است و نه در عرف و نه در علم روان‌شناسی؛ بلکه همان‌گونه که گذشت، در روایات اسلامی و سیره پیشوایان دینی هم به آن سفارش شده است.

در علم روان‌شناسی، یک شیوه درمانی به نام «گریه‌درمانی» وجود دارد که به عنوان یک نسخه کارگشا در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌گیرد و افسردگی را برطرف می‌کند.

یکی از انواع این گریه‌درمانی، همین گریه عاطفی است که بسیار مورد تأکید متخصصان این فن است.

البته اقسام دیگر گریه نیز در گریه‌درمانی سفارش شده است، مانند گریه رحمت، گریه شوق، گریه شکر، گریه در وقت تلاوت قرآن و...^۱

۶. چگونه باید عزاداری کنیم؟

خداوند متعال و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بزرگوارش و بزرگان دین، شیوه‌هایی برای عزاداری معرفی کرده‌اند که اگر برخلاف آن عمل کنیم، دچار افراط و تفریط و انحراف در شیوه عزادای می‌شویم. بنابراین برای جلوگیری از هرگونه بدعت و دوری از هر خرافه و تحریف، باید عزاداری به شیوه‌های صحیح و معقول و دینی برگزار شود و از شیوه‌های سست و بی‌پایه دوری کرد.

شعرخوانی و گریه کردن، ذکر مصیبت از کتاب‌های مقتل صحیح، برپایی

۱. برگرفته از پرسمان دانشجویی اخلاق و عرفان، نهاد مقام معظم رهبری علیه السلام در دانشگاه.

مجالس و عظ و بیان معارف دینی و فضایل اهل بیت علیهم السلام، بر سر و سینه زدن، به راه انداختن دسته‌های عزاداری، پوشیدن لباس مشکی و سیاه‌پوش کردن کوجه و خیابان، اطعام و نذری دادن و... از شیوه‌های عزاداری است. در روایات هم به برخی از این شیوه‌ها اشاره شده است که به ذکر یک روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم:

«عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْكُوفِيِّينَ فَدَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ عَفَانَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَقَرَّبَهُ وَأَدْنَاهُ ثُمَّ قَالَ: يَا جَعْفَرُ! قَالَ: لَيْتِكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ. قَالَ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَقُولُ الشُّعْرَ فِي الْحُسَيْنِ وَتُجِيدُ. فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ. قَالَ: قُلْ. فَأَنْشَدَهُ قَبَكِّي وَمَنْ حَوْلَهُ حَتَّى صَارَتْ الدُّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَخِيتِهِ ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدْتُ مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُتَرَبِّينَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام وَلَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا وَأَكْتَرُوا لَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ يَا جَعْفَرُ فِي سَاعَتِهِ الْجَنَّةَ بِأَسْرِهِا وَغَفَرَ اللَّهُ لَكَ. فَقَالَ: يَا جَعْفَرُ أَلَا أَرَيْدُكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا سَيِّدِي. قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا قَبَكِّي وَأَبَكِّي بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَغَفَرَهُ!»

...زید شحام می‌گوید: ما گروهی از مردم کوفه در حضور امام صادق علیه السلام بودیم که جعفر بن عفان (که شاعر بود) به محضر امام علیه السلام وارد شد. امام او را نزدیک خود قرارداد، سپس به او فرمود: ای جعفر! [جعفر] گفت: بله، خداوند مرا فدای شما کند. امام علیه السلام فرمود: به من اطلاع داده‌اند که شما درباره [جدم] امام حسین علیه السلام شعر خوب می‌گویید؟ جعفر گفت: بله. امام علیه السلام فرمود: برایم شعر بخوان.

[شاعرگفت: من شعر خواندم] امام علیه السلام و اطرافیان شروع به گریه کردند، تا حدی که اشک بر چهره و محاسن آن حضرت جاری شد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: ای جعفر به خدا قسم فرشتگان مقرب خداوند اینجا شاهد بودند و شعر تو را درباره امام حسین علیه السلام شنیدند؛ همان طوری که ما گریه کردیم، فرشتگان هم گریستند، بلکه آنها بیشتر از ما گریه کردند؛ و خداوند پاداش تو را بهشت کامل قرارداد و گناهانت را بخشید.

سپس امام علیه السلام به جعفر فرمود: می‌خواهی ثواب بیشتر برایت بیان کنم؟ جعفر گفت: بله.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس درباره امام حسین علیه السلام شعر بگوید و بگیرد و بگریاند، خداوند بهشت را براو واجب خواهد کرد و گناهانش را می‌بخشاید.»

بزرگان به شیوه‌های دیگری از عزاداری نیز توصیه کرده‌اند؛ مانند برگزاری مجلس روضه و سخنرانی که در آن، فضایل و سخنان اهل بیت علیهم السلام و پیشوایان معصوم برای مردم بیان می‌شود و مردم با سیره اهل بیت علیهم السلام و بزرگان دین آشنا می‌شوند.

برخی دیگر با تشکیل دسته‌های عزاداری، ضمن بیان فضایل و سخنان اهل بیت علیهم السلام و بزرگان دین، در عزای ایشان بر سر و سینه خود می‌زنند و به این روش شعائر الهی را زنده نگه می‌دارند و مردم و مخاطبان را با ستمی که به پیشوایان دینی شده است، آشنا می‌سازند.

البته در عزاداری‌ها برای اهل بیت و بزرگان دین، گاهی افراط و تفریط‌هایی نیز صورت می‌گیرد که مناسب شأن و منزلت ایشان نیست. برخی به دلیل

دوری از سیره و سنت بزرگان دین، گاهی شیوه‌های غلط عزاداری را در میان مردم رواج می‌دهند و با افزودن برخی مطالب خرافی و غیرواقعی و انجام دادن حرکات ناشایست، موجبات وهن و سستی دین را فراهم می‌کنند؛ مانند قمه‌زنی یا وارد کردن جراحات عمیق بر بدن خود که در اوضاع کنونی و در منظر مخاطبان جهانی، عملی ناپسند و غیرعقلانه است و چنین اقداماتی باعث وهن دین، دور شدن مردم از دین، و رواج جلوه‌های نامناسب از دین می‌شود. با توجه به پیامدهای چنین شیوه‌های نادرستی، چه لزومی دارد که برخی در عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام حسین علیه‌السلام به چنین شیوه‌هایی دامن بزنند و به دست دشمنان اهل بیت بهانه بدهند؟!

حتی برخی از افراط‌گرایان پا را فراتر نهاده و در این گونه شیوه‌های افراطی، نظر مراجع معظم تقلید و بزرگان دین را هم نادیده می‌گیرند.

بنابراین خوب است در عزاداری‌هایمان به چند نکته اساسی دقت کنیم:

۱. مقتدای حقیقی و اصلی ما در عزاداری، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام

هستند.

۲. عزاداری و حفظ شعائر با هر وسیله و هر شیوه‌ای، صحیح نیست و

پاداش ندارد.

۳. هر عمل عبادی که در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نباشد، به مجوز شرعی نیاز

دارد و بدعت است حتی اگر رایج شده باشد، سنت نیست و حرام است.

۴. تمام سعی و تلاش عزاداران حسینی باید برجسته کردن متن اصلی

نهضت عاشورا و کم‌رنگ کردن یا حذف حواشی و پیرایه‌هایی باشد که به مرور

زمان بر این حرکت نورانی بسته شده است.

۵. باید «امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت اسلامی» را اصل دانست

و به این مطلب مهم نیز توجه داشت که مصلح باید خودش صالح باشد.
۶. نکته دیگر، توجه خاص به «گریه» و تقویت «حب اهل بیت (علیهم‌السلام)» و افزایش «معرفت» و «آگاهی» به تاریخ حقیقی و مستند عاشورا و شناخت تحریف‌ها و مهم‌ترازان، شناخت فلسفه عملکرد تاریخ‌سازان عاشورا است.^۱

۷. چرا مراسم عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) هر سال شور و نشاط بیشتری به خود می‌گیرد؟

به راستی که پس از گذشت قرن‌ها از حادثه کربلا و وقوع انقلاب‌ها و نهضت‌های بی‌شمار عدالت‌خواهان در سراسر دنیا، تنها این نهضت همیشه زنده حسین بن علی (علیه‌السلام) است که همچنان با شور و حرارت در قلب‌های مؤمنان و آزادی‌خواهان جهان، همچون چشمه‌ای هر سال می‌جوشد و مجالس عزاداری آن حضرت و یارانش هر سال باشکوه‌تر برگزار می‌شود و همواره در سرتاسر جهان در حال انتشار و گسترش است.

بی‌شک در قیام امام حسین (علیه‌السلام) اسراری نهفته است و این نهضت دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. به همین دلیل در میان تمام قیام‌های دینی و غیردینی پس از آن حضرت، توانسته است ماندگاری و طراوت خود را حفظ، و در دل مخاطبان شور و حرارت ایجاد کند.

چنان که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

«... إِنَّ لِقَاتِلِ الْحُسَيْنِ (علیه‌السلام) حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا...»^۲

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: سید احمد خاتمی، چکامه‌هایی در شیوه‌های عزاداری.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

برای شهادت امام حسین علیه السلام شور و حرارتی در قلب های مؤمنان وجود دارد که هرگز به سردی نمی گراید...».

از ویژگی های قیام عاشورا که در جاودانه شدن این قیام نقش مؤثری داشت. حق محوری و حق طلبی این قیام بود. این حق طلبی در لحظه لحظه آن موج می زد.

مکتب امام حسین علیه السلام بر محور حق استوار است و حق جویی معیار هر حرکت و اقدامی در این مکتب است. وقتی حق طلبی معیار شد، خداترسی میزان می شود و ترس از غیر خدا بی معنا می گردد و از آنجا که «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»^۱ و حق همیشه ماندنی است و ستم ناپایدار، نهضت عاشورا نیز یکی از قیام های جاودانه بشری شد.

بنابراین از دلایل ماندگاری نهضت عاشورا ماهیت حق طلبی و حق گرایی آن است.

در حکمت الهی، اصالت در هستی با حق است، با خیر است، با حسن و کمال و زیبایی است و باطل ها، شرها، نقص ها و زشتی ها در نهایت امر و در تحلیل نهایی به نیستی ها منتهی می شوند، نه به هستی ها. استاد مطهری رحمته الله علیه در اثبات اصالت اهل حق می نویسد:

«...باطل وجود تبعی و طفیلی دارد، وجود موقت دارد؛ آن چیزی که استمرار دارد حق است. هر وقت جامعه ای در مجموع به باطل گرایید، محکوم به فنا شده است... در نظام هستی، خیر غالب است، حق اصیل است و باطل هم اگر پیدا شد، محکوم و غیراصیل

و نابودشدنی است و آنچه پایدار می‌ماند حق است: «کل شی هالک الا وجهه»^۱، «ویبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام»^۲... در طول تاریخ همیشه حق و باطل با یکدیگر در حال جنگ بوده‌اند، ولی قرآن وعده پیروزی نهایی حق بر باطل را می‌دهد»^۳.

به اعتقاد حکمای اسلامی چون جریان حق، جریانی طبیعی و متناسب فطرت خدادادی بشر است، امکان بقا و دوام دارد و هر جریانی که برخلاف فطرت الهی انسان باشد، دوام پیدا نمی‌کند و از بین می‌رود. حرکت امام حسین علیه السلام نیز چون یک حرکت طبیعی و کاملاً هماهنگ با فطرت بشر بود، اصالت و دوام یافت.

استاد شهید مطهری علیه السلام می‌نویسد:

«راه حق چیزی است که انبیاء از طرف خدا آن را شناسانده و از طرف خدا آن را تضمین کرده‌اند که هر که این راه را برود، به نتیجه می‌رسد. خداوند، این عالم را طوری ساخته است که همواره از کسانی که حق و حقیقت را حمایت کنند، حمایت می‌کند. حق همواره یک تأیید معنوی با خود دارد»^۴.

یکی دیگر از اسرار ماندگاری نهضت عاشورا این است که کلاس فرهنگ‌سازی و انسان‌سازی است و همین فرهنگ عاشورایی است که باعث سرزندگی این مراسم‌ها و به تبع آن، باعث سرزندگی جامعه می‌شود.

۱. قصص، آیه ۸۸.

۲. رحمن، آیه ۲۷.

۳. مرتضی مطهری علیه السلام، حق و باطل، صص ۳۷-۴۶.

۴. همو، بیست گفتار، ص ۱۵۹.

در مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام معنویات تزریق می شود و عمده معنویات هم، مربوط به روح انسان است که کمال و نشاط درونی را به همراه دارد. بنابراین نشاط این مراسم، ناشی از تغذیه معنویاتی است که باعث آرامش روح و کمال انسان می شود.

همچنین وجود هم دلی و هم بستگی در این مجالس، آن را به جایگاهی برای دستگیری از نیازمندان مبدل کرده است و همین امر باعث شده که این مجالس روز به روز با شور و نشاط بیشتری به خدمت رسانی به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان ادامه دهند.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا.

۱. آیا در قرآن کریم از امام حسین علیه السلام سخنی به میان آمده است؟

قرآن کریم کتاب هدایت و راهنمای بشر به سوی کمال است که کلیات هدایت بشر در آن آمده است، ولی کتاب تاریخ و بیان سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام نیست که به تفصیل در مورد ایشان سخن گفته باشد. با این حال، آیات و سوره‌هایی در قرآن هست که بر اساس روایات اسلامی، به طور خاص یا عام در شأن و منزلت حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده است؛ از جمله:

الف) «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛^۱

بگو من هیچ پاداشی بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)».

از طریق اهل سنت، احمد بن حنبل، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی، ابن مردویه و گروهی دیگر از علمای اهل سنت از ابن عباس روایت کرده‌اند:

«آن‌گاه که آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...﴾ نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا، این خویشان (قربی) تو که مودت و دوستی آنان بر ما واجب گردیده، کیانند؟ آن حضرت فرمود: علی و فاطمه علیهم‌السلام و دو پسر آنها (حسن و حسین علیهم‌السلام)».^۱

ب) ﴿إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲
خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«کلمه ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ در عرف قرآن کریم اسم خاص است که هر جا ذکر شود، مراد پنج تن هستند؛ یعنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام و بر هیچ‌کس دیگر اطلاق نمی‌شود، هرچند که از خویشان آن حضرت باشند. و بردن انواع پلیدی‌ها و ردایل، با عصمت الهی منطبق می‌شود و آیه شریفه یکی از ادله عصمت اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آید».^۳

همچنین ایشان در تبیین این آیه فرموده‌اند:

«بیش از هفتاد روایت از طرق اهل سنت و شیعه در شأن نزول آیه وارد شده که مراد از ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ در آیه شریفه، پنج تن آل عبا علیهم‌السلام هستند».^۴

۱. رک: عبدالحسین امینی نجفی، الغدير، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی رحمته‌الله، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۴۶۶ و ۴۶۷.

۴. رک: همان، صص ۴۶۵-۴۷۷.

ج) «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَأَنسَاءَنَا وَأَنسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^۱

هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده، [باز] کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را، شما هم زنان خود را؛ ما نفوس خود را، شما هم نفوس خود را؛ آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم».

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است:

«آیه مباحله به اتفاق مسلمانان بر فضیلت و مقام سیدالشهداء علیه السلام دلالت می‌کند. در این آیه خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که هرگاه پس از استدلال‌های روشن، کسی درباره عیسی با تو گفتگو کند و به جدال برخیزد، به او پیشنهاد مباحله (نفرین و دعا) کن تا خداوند دروغ‌گو را رسوا سازد».^۲

آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر علیهم السلام نازل شده و آن حضرت تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد، فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام و دخترش فاطمه علیها السلام به همراه علی بن ابی طالب علیه السلام بودند.

بنابراین مراد از «أَبْنَاءَنَا» در آیه شریف، منحصر به امام حسن و حسین علیهما السلام و «أَنسَاءَنَا» فاطمه زهرا علیها السلام و «أَنفُسَنَا» علی علیه السلام است و روایات دالّ بر این مطلب، به حد تواتر نقل شده است.^۳

۱. آل عمران، آیه ۶۱.

۲. رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۴۳۸-۴۴۰.

۳. رک: همان، صص ۴۴۰-۴۴۲.

(د) «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ»^۱

آدم از پروردگارش کلمه‌ای چند فراگرفت. پس خدا توبه او را پذیرفت.

در روایت آمده است که مراد از «کَلِمَاتٍ»، پنج تن آل عبا^{علیهم‌السلام} هستند:

«وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ». قَالَ سَأَلَهُ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^۲

(ه) «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»^۳

و پروردگار ابراهیم او را به کاری چند بیازمود و ابراهیم آن کارها را به تمامی به انجام رسانید.

در تفسیر این آیه، حضرت امام صادق^{علیه‌السلام} تعبیر «کَلِمَاتٍ» را به پنج نور

آل عبا^{علیهم‌السلام} تبیین فرمودند:

«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ^{علیه‌السلام} فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ». قَالَ: هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبَيِّنَ عَلَيَّ كِتَابَ عَلَيْهِ»^۴

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق^{علیه‌السلام} از قول خدای سبحان که می‌فرماید «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» سوال کردم که این چه کلماتی است؟ فرمود: همان کلماتی است که آدم آن را از پروردگارش دریافت کرد و بر زبان جاری نمود و خداوند توبه اش را

۱. بقره، آیه ۳۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۴، ح ۴۷۲.

۳. بقره، آیه ۱۲۴.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۹۹، ح ۸۸۴۴.

پذیرفت و آن این کلمات است که گفت: **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ
فَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الْأَثْبَتِ عَلَى قَتَابِ عَلَيْهِ».**

(و) **«الْمُرْتَكِيفَ ضَرْبَ اللَّهِ مِثْلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي
السَّمَاءِ!»**

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» [و گفتار پاکیزه] را به درخت
پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در
آسمان است».

در روایات، قسمتی از این آیه به اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده است:

**«ثم قال وروى عن ابن عباس قال قال جبرئيل للنبي صلى الله عليه وآله أنت الشجرة و
على غصنها وفاطمة ورقها والحسن والحسين ثمارها؛»**^۱

ابن عباس می‌گوید جبرئیل به پیامبر عرض کرد تو آن درخت طیبه
هستی و علی تنه آن و فاطمه شاخه و حسن و حسین میوه آن
درخت هستند».

**«عَنْ زُرَّارَةَ وَحُمَرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ ضَرْبَ اللَّهِ
مِثْلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. قَالَ يَعْنِي
النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وَالْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ هُمْ الْأَصْلُ الثَّابِتُ وَالْفَرْعُ الْوَلَايَةُ لِمَنْ دَخَلَ فِيهَا؛»**^۲
امام باقر و امام صادق علیهم السلام درباره آیه یاد شده می‌فرمایند:
پیامبر صلى الله عليه وآله و امامان پس از او ریشه استوار [این درخت] هستند و
شاخه [آن]، ولایت است، برای کسانی که آن را می‌پذیرند».

۱. ابراهیم، آیه ۲۴.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۳۷.

۳. همان.

ز) ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مُظْلوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً!﴾^۱

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده نکشید، جز به حق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی او سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم.﴾

در روایات آمده است که مراد این آیه حضرت امام حسین علیه السلام است:

«وَأَمَّا قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ فَقَدْ قَتَلُوا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام وَأَصْحَابَهُ؛^۲

منظور از قتل نفسی که خدا آن را در آیه یاد شده حرام دانسته است همانا به کشته شدن امام حسین علیه السلام و اصحابش اشاره دارد.»

ح) ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتْرِيدُ مِنْكُمْ جِزَاءً وَلَا نُشْكُورُ!﴾^۳

و غذا [ی خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند! [و می گویند] ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی خواهیم.﴾

این آیه نیز در شأن حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، حضرت امام

حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده است:

«كشف، [كشف الغمة] أَبُو بَكْرٍ بْنُ مَرْذَوِيهَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ﴾ نَزَلَ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عليهم السلام».^۴

۱. اِسْرَاء، آیه ۳۳.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۴۹۳۱.

۳. انسان، آیات ۸ و ۹.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۵، ح ۱۵.

(ط) «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۱

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه مورد ستم قرار گرفته اند و خداوند بریاری آنها تواناست.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که منظور از این آیه، حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام است.^۲

(ی) «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»^۳

خداوند نور آسمان ها و زمین است. مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی [پرفروغ] باشد؛ آن چراغ در حبابی قرارگیرد؛ حبابی شفاف و درخشنده همچون ستاره ای فروزان.

در روایتی حضرت امام صادق علیه السلام کلمه «الزُّجَاجَةُ» در این آیه را به حضرت امام حسین علیه السلام تفسیر کرده اند.

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فَاطِمَةُ علیها السلام فِيهَا مِصْبَاحُ الْحُسَيْنِ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ الْحُسَيْنِ الزُّجَاجَةُ»^۴

امام صادق علیه السلام درباره آیه [یاد شده] می فرماید: «مِشْكَاةٌ» حضرت فاطمه علیها السلام و «مِصْبَاحٌ» امام حسن علیه السلام و «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ» منظور امام حسین علیه السلام است.

۱. حج، آیه ۳۹.

۲. برای آگاهی بیشتر رک: عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۶۰۹.

۳. نور، آیه ۳۵.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۵.

ک) ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾^۱

و آن را کلمه‌ای پاینده در نسل‌های بعد از خود قرار داد.

بر اساس روایات، این آیه نیز مربوط به امامت حضرت امام حسین علیه السلام و فرزندان بزرگوارشان است.^۲

ل) ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾^۳

ما به انسان سفارش کردیم به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی (زحمت زیاد) حمل کرد و با ناراحتی (زحمت زیاد) وضع حمل کرد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

روایاتی در ذیل این آیه وجود دارد که دلالت می‌کند این آیه در شأن حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده است.^۴

م) ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ *... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ؛^۵ دو دریا را کنار هم قرار داد در حالی که با هم تماس دارند. میان آن دو برزخی است که یکی بردیگری غلبه نمی‌کند... از آن دو دریا مروارید و مرجان بیرون می‌شود.

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام را مصداق دو دریا، و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را مصداق لؤلؤ و مرجان

۱. زخرف، آیه ۲۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۶۶، ح ۱۲.

۳. احقاف، آیه ۱۵.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۶، ح ۲۱.

۵. رحمن، آیات ۱۹ تا ۲۲.

می‌داند و می‌فرماید:

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» قَالَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِيَانِ أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهما السلام؛^۱

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «دو دریا را در کنار هم قرار داد در حالی که با هم تماس دارند و میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند» فرمود: «علی و فاطمه دو دریای ژرف و لبریز از دانش هستند که یکی بر دیگری طغیان نمی‌کند. از آن دو دریا دُرّ و مرجان خارج می‌شود» یعنی امام حسین و امام حسن علیهما السلام».

(ن) «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»^۲

ای نفس آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد؛ در حالی که هم توازاو خشنودی و هم او از تو خشنود است».

حضرت امام صادق علیه السلام سوره فجر را سوره امام حسین علیه السلام معرفی، و به قرائت آن ترغیب فرموده‌اند:

«وَعَنْهُ عَن صَنْدَلٍ عَن دَاوُدَ بْنِ فَوْقِدٍ عَن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: اقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي قَرَائِصِكُمْ وَتَوَافَلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مَنْ قَرَأَهَا كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي دَرَجَتِهِ مِنَ الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۳

...در نمازهای واجب و مستحب سوره فجر را بخوانید؛ زیرا آن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۸، ح ۵.

۲. فجر، آیات ۲۷ و ۲۸.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۴۴، ح ۷۵۶۹.

سوره امام حسین علیه السلام است. هرکس این سوره را قرائت کند، روز قیامت همنشین و هم‌درجه امام حسین علیه السلام در بهشت می‌شود. همانا خداوند عزیز و حکیم است».

(س) ﴿وَفَدَيْتَاهُ بِذَبِيحٍ عَظِيمٍ﴾^۱

و ما قربانی بزرگی را فدای او (اسماعیل) کردیم».

حضرت امام رضا علیه السلام این آیه را به ماجرای امام حسین علیه السلام تفسیر

فرموده‌اند:

«ابن قتیبه روایتی از امام رضا علیه السلام را از قول فضل چنین نقل می‌کند: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: خدای عزیز و بزرگ به ابراهیم علیه السلام امر کرد که به جای فرزندش، اسماعیل، گوسفندی را که خدا برایش فرستاده بود قربانی کند؛ و ابراهیم درخواست کرده بود که فرزندش اسماعیل را با دستش ذبح کند؛ و اگر به کشتن گوسفند امر نمی‌شد، همین کار را می‌کرد تا داغ قلب پدری که عزیزترین فرزندانش را با دست خود قربانی کرده، به دل او هم وارد شود و سزاوار درجات اهل ثواب بر بلاها گردد.

خداوند به او وحی کرد: ای ابراهیم از آفریدگانم چه کسی را بیشتر دوست داری؟ او گفت: پروردگارا! کسی را نیافریدی که از دوستت محمد صلی الله علیه و آله محبوب‌تر باشد.

خداوند فرمود: او را بیشتر دوست داری یا خود را؟ گفت: او را بیشتر از خودم دوست دارم. فرمود: فرزند او نزد تو محبوب‌تر است یا فرزند خودت؟ گفت: فرزند او. فرمود: کشته شدن فرزند او به ستم و

ظلم به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می آورد یا کشته شدن فرزندت به دست خودت در راه اطاعت از من؟
عرض کرد: پروردگارا! کشته شدن فرزند او به دست دشمنانش قلب مرا بیشتر به درد می آورد. فرمود: ای ابراهیم، گروهی که گمان می کنند از امت محمد صلی الله علیه و آله هستند، به زودی بعد از او دست به خون فرزندش آغشته می سازند و وی را به ستم، چون گوسفندی ذبح می کنند و بدین وسیله موجب خشم من خواهند شد. ابراهیم علیه السلام بی تاب شد و دلش به درد آمد و گریست. خدای بزرگ و بلندمرتبه به او وحی کرد: ای ابراهیم، فدیة بی تابی بر فرزندت اسماعیل - اگر او را قربانی می کردی - به اندوهگینی ات بر حسین علیه السلام و کشته شدنش برابرگشت و برای تو بلندترین درجات اهل ثواب بر مصیبت ها خواهد بود. و آن سخن خدای عزوجل است که فرمود: «وَقَدْ يَنَآهُ يَذِيحُ عَظِيمٌ»^۱.

۲. امام حسین علیه السلام در کلام سایر امامان علیهم السلام چگونه معرفی شده است؟

حضرت امام حسین علیه السلام نزد خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومان علیهم السلام دارای جایگاهی ویژه و مقامی رفیع است و به دلیل ماهیت قیام عاشورا و شهادت مظلومانه همواره به طور ویژه تکریم شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«بِئْسَ أَنْذَرْتُمْ وَبِعَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام اهْتَدَيْتُمْ... وَبِالْحُسَيْنِ علیه السلام أُعْطِيتُمْ
الْإِحْسَانَ وَبِالْحُسَيْنِ علیه السلام تَسْعَدُونَ وَبِهِ تَشْقَوْنَ أَلَا وَإِنَّ الْحُسَيْنِ علیه السلام بَابُ

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۵، ح ۶.

من أبواب الجنة من عاداه حرم الله عليه ريح الجنة؛^۱

به واسطه من هشدار داده شدید و به واسطه علی بن ابی طالب علیه السلام هدایت می یابید و با حسن علیه السلام احسان می شوید و با حسین علیه السلام خوشبخت می گردید و بدون او بدبخت. بدانید که حسین علیه السلام دری از درهای بهشت است. هرکس با او دشمنی کند، خداوند بوی بهشت را براو حرام می کند».

همچنین فرمود:

«يقبر ابني بأرض يقال لها كربلاء البقعة التي كانت فيها قبة الاسلام نجا الله التي عليها المؤمنون الذين امنوا مع نوح في الطوفان؛^۲

پسرم حسین در سرزمینی به خاک سپرده می شود که به آن کربلا گویند؛ زمین ممتازی که همواره گنبد اسلام بوده است، چنان که خدا یاران مؤمن حضرت نوح را در همان جا از طوفان نجات داد».

«ان الحسين عليه السلام باب من ابواب الجنة؛^۳

بی گمان حسین علیه السلام دری از درهای بهشت است».

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«إنَّ الحُسَيْنَ عليه السلام صاحبَ كَرْبَلَا قَتِيلَ مَظْلُومًا، مَكْرُوبًا عَطْشَانًا، هَلْفَانًا فَآلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ هَلْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنِبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا مَنْ بِهِ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِأَنَّ نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَغَفَرَ ذَنْبَهُ وَمَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ

۱. هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۲۶۹، باب ۸۸، ح ۸.

۳. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ص ۲۰۲.

بَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَأَعْتَبُوا بِأُولَى الْأَبْصَارِ^۱

حسین علیه السلام، بزرگمرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیبت زده به شهادت رسید. پس خداوند به ذات خود قسم یاد کرد که هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنهکار و اندوهناک و تشنه ای و هیچ بلا دیده ای به خدا روی نمی آورد و نزد قبر حسین دعا نمی کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی سازد، مگر اینکه خداوند اندوهش را برطرف، و حاجتش را برآورده می کند و گناهش را می بخشد و عمرش را طولانی، و روزی اش را گسترده می گرداند. پس ای اهل بینش، درس بگیرید».

حضرت امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَعْدِلُ عِشْرِينَ حَجَّةً وَأَفْضَلُ وَمِنْ عِشْرِينَ عُمْرَةً وَحَجَّةً^۲»
ثواب زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برابر با بیست حج تمتع و بیش از بیست حج عمره است».

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ ارَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ زِيَارَتَهُ وَمَنْ ارَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ بَغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَغْضَ زِيَارَتِهِ^۳»
امام صادق علیه السلام می فرماید: هرکس که خدا خیرخواه او باشد، محبت حسین علیه السلام و زیارتش را در دل او می اندازد و هرکس که خدا بدخواه او باشد، کینه و خشم حسین علیه السلام و خشم زیارتش را در دل او می اندازد».

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۶، ح ۵.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۵۸۰.

۳. همو، ج ۱۰، ص ۳۸۸.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«من زار قبرالحسین علیه السلام ببط الفرات کان کمن زارالله؛^۱

کسی که قبر امام حسین علیه السلام را در کرانه فرات زیارت کند، مثل کسی است که خدا را زیارت کرده است.»

۳. چرا فقط برای امام حسین علیه السلام مراسم اربعین می‌گیرند؟

البته باید توجه داشت که به طور معمول، برای همه اموات پس از چهل روز از فوت آنها مراسم اربعین برگزار می‌کنند؛ ولی تنها کسی که پس از سال‌ها و قرن‌ها، مراسم اربعین او همچنان با شکوه و حرارت و عظمت خاصی برگزار می‌شود، حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

این موضوع دلایل خاصی دارد و بی‌شک ویژگی‌های قیام عاشورا و جان‌فشانی‌های بی‌نظیر آن حضرت یکی از دلایل ماندگاری شهادت ایشان و زنده نگه داشته شدن مراسم اربعین در هر سال است.

از دیگر دلایل ماندگاری مراسم اربعین امام حسین علیه السلام می‌توان به این مورد اشاره کرد: روایاتی که زیارت اربعین را مهم دانسته و بر آن تأکید کرده‌اند؛ مانند:

«وَرَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ
حَمْسٌ: صَلَاةُ الْحَمْسِينَ وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ
الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛^۲

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۰.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳۷.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: نشانه‌های مؤمن (شیعه) پنج چیز است: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه‌روز و زیارت اربعین و انگشتر به دست راست کردن و پیشانی را در سجده بر خاک نهادن و بلندگفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز.^۱

۴. چرا به امام حسین علیه السلام «ثارالله» می‌گویند؟

در مورد ریشه کلمه «ثار» دو احتمال هست:

الف) ثار از ریشه «ثور» به معنای برانگیخته شدن و شوریدن گرفته شده باشد که در این صورت ثارالله به معنای برانگیخته خدا و کسی است که به خاطر خدا قیام کرده و «ابن ثارالله» به معنای فرزند قیام‌کننده است.

ب) ثار از ریشه «ثأر» (مهموز العین) به معنای خون خواهی و گرفتن انتقام مقبول باشد که در این صورت «ثارالله» اضافه مصدر به فاعل بوده و به معنای کسی است که خداوند انتقام خون او را خواهد گرفت.

از میان دو معنای یادشده، معنای اخیر کاربرد بیشتری دارد. علامه مجلسی رحمته الله علیه معتقد است ثار از «الثأر» (مهموز العین) گرفته شده و در مورد معنای آن دو احتمال می‌دهد:

ثارالله به معنای کسی است که خداوند از دشمنان او خون خواهی خواهد کرد (احتمال اول)؛

ثارالله یعنی کسی که هنگام رجعت، انتقام خون خود و اهل بیتش را به امر الهی از دشمنان خواهد گرفت (احتمال دوم).

۱. در منابع زیادی به موضوع اربعین امام حسین علیه السلام اشاره شده است؛ برای نمونه: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ شیخ طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۵۰.

با توجه به آنچه بیان شد، «ثار» را چه از ریشه «ثور» گرفته باشیم که به معنای برانگیخته شدن است و چه از ریشه «ثأر» که به معنای خون خواهی مقتول است، «ثار الله» به معنای خون خدا نیست و اگر در جایی این کلمه را به معنای خون خدا ترجمه کرده‌اند، یا همین معنای «کسی که خدا خون خواه اوست» مورد نظر بوده و یا اشتباه کرده و معنای آن را متوجه نشده‌اند.^۱

برخی هم قائل اند که اضافه «ثار» به لفظ جلاله «الله»، اضافه تشریفیه است؛ یعنی امام حسین علیه السلام از چنان شرافتی برخوردار است که تمام هستی خداوند متعال به حساب می‌آید؛ چرا که با خون حضرت سیدالشهداء علیه السلام دین، حیاتی تازه گرفت و نام خدا، راه خدا، دین خدا و معارف الهی دوباره در جهان رونق یافت. بنابراین از آنجاکه این خون برای خدا ریخته شده است، به خدا تعلق دارد و در نتیجه، خون بهای آن هم متعلق به خداست و خودش خون بهای او را می‌گیرد.^۲

۵. این کلام امام حسین علیه السلام که می‌فرمایند: «أنا قتيل العبرات؛ من كشته اشک‌ها هستم» به چه معناست؟

در پاسخ به این پرسش توجه به چند نکته لازم است:

الف) علامه مجلسی رحمته الله در معنای این جمله می‌فرماید:

«منظور این است که هیچ مؤمنی به یاد امام حسین علیه السلام نمی‌افتد

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح اللغة، ج ۲، ص ۶۰۳؛ محمد بن ابی بکر رازی، مختار الصحاح، ص ۵۱؛ ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث، ج ۱، ص ۱۹۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۱.

۲. برای آگاهی بیشتر: مجید حیدری فر، بررسی و تحلیلی پیرامون زیارت عاشورا، ص ۱۳۷.

مگر اینکه گریه می کند یا بغض گلوی وی را می گیرد».

چنان که امام علی علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می فرماید:

«یا عبرة کل مؤمن؛^۱

ای جاری کننده اشک هر مومن»

در روایتی دیگر سیدالشهدا علیه السلام می فرماید:

«انا قتیل العبرة لا یندکرفی مومن الا استعبر؛^۲

من کشته اشکم. هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند، مگر اینکه اشکش

جاری می شود».

ب) بر اساس روایات، «قتیل العبرات» به این معناست که هر مؤمنی امام حسین علیه السلام و مصائب روز عاشورا را به یاد بیاورد، به یاد مظلومیت او گریه می کند و منظور امام حسین علیه السلام از این جمله این است که من کشته مظلوم هستم؛ به گونه ای که هر کسی مرا یاد کند، بی اختیار بر من می گرید و مظلومیت من به این اندازه تأثیر برانگیز است.^۳

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۳۵۶.

۳. برای آگاهی بیشتر، رک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۴ و ج ۴، ص ۳۲۷ و ج ۱،

ص ۶۰؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۲؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۵۹؛

شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۳۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹.

۱. اهداف قیام امام حسین علیه السلام چه بود؟

قیام امام حسین علیه السلام دارای ابعاد مختلفی است، ولی اهداف این نهضت عظیم دارای اهمیتی ویژه است و درک آنها همواره الهام بخش مسلمانان، به ویژه شیعیان در قیام‌هایشان علیه ظلم در طول تاریخ بوده است. برخی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام عبارت‌اند از:

الف) امر به معروف و نهی از منکر

ب) زدودن بدعت‌ها، انحراف‌ها و کج‌روی‌های امت اسلامی

ج) زنده کردن سنت‌های ترک‌شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

امام حسین علیه السلام نه تنها با سخنانش به افشای جنایات بنی‌امیه پرداخت، بلکه با شمشیر نیز به مبارزه با آنان برخاست و تا پای جان ایستادگی کرد. او قیام مسلحانه خویش را «امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه» نامید و بارها در سخنانش، از این فریضه بزرگ یاد کرد و با صراحت، آن را یکی

از انگیزه‌های قیامش شمرد؛ چنان که در وصیت‌نامه‌ای که پیش از حرکت از مدینه آن را به برادرش محمد بن حنفیه سپرد - او در آن موقع به دلیل بیماری، قدرت بر جهاد نداشت - آمده است:

«إِنِّي مَا خَرَجْتُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الاصلاح فِي أُمَّةٍ جَدَى، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرِهِ
جَدَى وَآبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛^۱

من نه برای گردش و تفریح از مدینه بیرون می‌روم و نه برای اینکه فساد در زمین راه بیندازم و ظلمی بکنم؛ بلکه برای اصلاح و پیگیری امور امت جدم حرکت کردم. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم رسول خدا و پدرم امام علی بن ابی‌طالب عمل کنم».

د) بیعت نکردن با خلیفه فاسد و منحرف

یزید در نامه‌ای به ولید بن عتبه، فرماندار مدینه، از او می‌خواهد که از امام حسین عليه السلام برای وی بیعت بگیرد و در صورت مخالفت آن حضرت، سراز بدنش جدا کند. حضرت امام حسین عليه السلام به خواسته ولید، این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«أَنَا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِوةِ وَ... وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ

الْمَحْرَمَةِ، مَعْلَنٌ بِالْفِسْقِ لَيْسَ لَهُ هَذِهِ الْمَنْزِلَةُ وَمِثْلِي لَا يَبِيعُ مِثْلَهُ وَ...»^۲

ما از خاندان نبوت و رسالتیم، خاندانی که خانه آنها محل رفت و آمد فرشتگان است و خداوند به خاطر ما همه چیز را آغاز کرد و

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۹.

۲. سید بن طاووس، لهوف، ص ۴۲.

همه چیز را پایان می‌بخشد، اما یزید، مردی فاسق و شرابخوار و قاتل است و آشکارا جنایت و گناه می‌کند و مثل من با مثل او بیعت نخواهد کرد».

امام حسین علیه السلام در جای دیگر هنگامی که مروان از حضرت می‌خواهد تا با یزید بیعت کند، در پاسخ به وی می‌فرماید:

«انا لله وانا اليه راجعون وعلي الاسلام السلام اذ قد بليت الامه براع مثل يزيد ولقد سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: الخلافة محرمة علي آل ابي سفيان!»

دیگر باید بر اسلام سلام داد (با آن وداع کرد)؛ زیرا امت دچار زمامداری همانند یزید گردیده است! و من از جدم رسول خدا صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است».

ه) مخالفت با ظلم و فساد آشکار دستگاه یزید و امویان

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در منزلی به نام بیضه خطاب به اصحاب خود و سپاهیان حر، انگیزه قیامش را مقابله با حکومت ظالم و جائز بیان می‌کند و اظهار می‌دارد:

«ایها الناس، ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: من رأي سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناكماً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم، يعمل في عباد الله بالاثم و العدوان، فلم يعبر (يعبر) عليه بفعل ولا قول كان حقاً علي الله...
ألا وإن هؤلاء قد لزوموا طاعة الشيطان وتركوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استاثروا بالفيء و أحلوا حرام الله و حرموا حلاله و انا احق

من غیر^۱

ای مردم! رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس (مسلمانی) سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، عهد خدا را می‌شکند، خلاف سنت رسول خدا رفتار می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم عمل می‌کند، ولی او (شخص مسلمان) سکوت اختیار کند و نه از راه کردار و نه از راه گفتار، وی (سلطان ستمگر) را سرزنش نکند و در مقام انکار و عیب‌گویی بر نیاید، بر خداوند است که او (مسلمان سکوت اختیار کرده) را به کیفر و سزای همان ستمگر (آتش جهنم) محکوم کند....

آگاه باشید که این گروه ستمگر و حکام جائز بنی‌امیه، پیوسته از شیطان پیروی کرده طاعت او را بر خود لازم دانستند و اطاعت رحمان را ترک گفتند و زشتی و فساد را ظاهر نمودند و حدود خدا را تعطیل کردند و غنائم و فیء را [که متعلق به همه مسلمین است] به خود اختصاص دادند و حرام خدا را حلال، و حلال خدا را حرام شمردند. و من از غیر خودم سزاوارترم [به جلوگیری از این امور و نهی کردن از آنها و زمام امور مسلمانان را به دست گرفتن، تا به احکام قرآن و سنت رسول الله ﷺ عمل شود]».

نکته مهم این خطبه، این است که حضرت علاوه بر نهی کردن و برحذر داشتن مردم از سکوت در برابر ظلم و ستم (که محور اصلی خطبه است)، برای چندمین بار در سخنان خود با اشاره به فساد و تباهی حکومت بنی‌امیه، بر

۱. علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی، لمعات الحسین علیه السلام، ص ۵۴؛ شیخ عباس قمی، نفس

حق امام علیه السلام در حاکمیت و ولایت مسلمین تأکید دارد. در حقیقت سه دلیل مهم از مجموع دلایل قیام عاشورا در این خطبه تشریح شده است.^۱

و) استقرار عدالت و قوانین اسلام در جامعه

سالار شهیدان تلاش می کرد بی عدالتی را از جامعه مسلمانان ریشه کن، و عدالت را در میان مردم برقرار سازد. از دیدگاه بلند آن حضرت، زمامدار مسلمانان باید در رفتار و گفتار و انتخاب کارگزارانش شیوه ای عادلانه را در پیش گیرد و در جهت گسترش عدل و داد قدم بردارد. آن حضرت با تأکید بر این باور می فرمود:

«فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب و القائم بالقسط الدائن بدین الحق الحائس نفسه علی ذات الله؛^۲

به جان خودم سوگند! امام نیست مگر کسی که بر اساس کتاب خدا حکم کند؛ برای عدالت قیام کند؛ متدین به دین حق باشد و جان خود را در راه خدا گرو بگذارد.»

مرام عدالت گستری آن حضرت و یاران باوفایش در همه جا اعلان و مشخص شده بود؛ چنان که حضرت مسلم بن عقیل -سفیر آن امام علیه السلام- وقتی در دارالاماره کوفه با حاکم ستمگر یزید (عبیدالله بن زیاد) روبرو شد، به این هدف والای قیام اشاره کرد و از حاکمیت عدالت سخن گفت؛ ابن زیاد از مسلم بن عقیل پرسید: برای چه به کوفه آمدی و مردم را به انقلاب دعوت می کنی؟ او پاسخ داد:

۱. رک: علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، لمعات الحسین علیه السلام، ص ۵۴.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۹.

«فاتیماهم لنا مر بالعدل وندعو الی حکم الکتاب»^۱

آمده ایم تا امر به عدالت کرده و به قانون کتاب خدا دعوت کنیم».

زنده کردن روح مقاومت اسلامی در جامعه

قیام امام حسین علیه السلام و یارانش، احساس ضعف و وحشت مسلمانان را در برابر بنی امیه تا حد زیادی از بین برد؛ به طوری که پس از شهادت آن حضرت چندین قیام در حجاز و عراق علیه امویان رخ داد که هر یک نشان دهنده رشد غیرت دینی جامعه اسلامی و پیام آور عزت مسلمانان بود.

ناگفته پیداست که مهم‌ترین کارکرد قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام بقای اسلام بود. بنی امیه در زمان خلافت یزید در پی ویران کردن بنیان‌های دین پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی توحید، نبوت، نماز، روزه و... بودند؛ ولی امام علیه السلام با حماسه خونین خویش چهره کریه بنی امیه را بیش از پیش آشکار ساخت با از بین بردن مشروعیت و مقبولیت بنی امیه، بقای اصول اعتقادات و مسلمات دین را تضمین کرد. از این رو وقتی ابراهیم، پسر طلحه بن عبیدالله در شام از امام سجاد علیه السلام پرسید: (اگر در جنگ جمل جدت پیروز شد) حالا چه کسی پیروز شده است؟ امام علیه السلام در پاسخ او فرمود:

«إذا اردت ان تعلم من غلب ودخل وقت الصلاة فأذن ثم اقم»^۲

اگر می خواهی بدانی چه کسی پیروز شده است، هنگام فرا رسیدن وقت نماز، ابتدا اذان بگو و سپس نماز را اقامه کن».

این سخن نشان دهنده آن است که هدف نهضت حضرت اباعبدالله

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲. شیخ صدوق، الامالی، ص ۶۷۷.

۱۳۰ ■ رسالت حسینی، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات عاشورایی، جلد اول

ج. ظلم مستکبران د. پاداش الهی

۵. از ویژگی‌های قیام امام حسین علیه السلام که عاشورا را جاودانه ساخت چه بود؟

الف. حق محوری و حق طلبی ب. ستم ستمکاران

ج. شجاعت امام حسین علیه السلام د. همه موارد

۶. کدام سوره و آیات در مورد امام حسین علیه السلام می‌تواند باشد؟

الف. مائده، آیه ۵۰ ب. فجر، آیات ۲۷ و ۲۸

ج. احزاب، آیه ۳۳ د. ب و ج

۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید «هر کس با حسین علیه السلام دشمنی کند».

الف. شقاوت‌مند است ب. جاهل است

ج. بوی بهشت بر او حرام است د. رزق او کم می‌شود

۸. امام صادق علیه السلام ثواب زیارت امام حسین علیه السلام را برابر با چند حج می‌داند؟

الف. ۵۰ حج تمتع و ۲۰ حج عمره ب. ۷۰ حج عمره و ۴۰ حج تمتع

ج. ۴۰ حج عمره و ۲۰ حج تمتع د. ۲۰ حج تمتع و ۲۰ حج عمره

۹. از جمله اهداف قیام امام حسین علیه السلام

الف. حکومت بر مردم کوفه ب. احیاء سنت‌های فراموش شده جدش

ج. امر به معروف و نهی از منکر د. ب و ج

۱۰. عوامل جدایی مردم کوفه از نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟

الف. عدم شناخت امام حسین علیه السلام

ب. عدم اطلاع رسانی صحیح از طرف یاران امام حسین علیه السلام

ج. ترس و طمع مردم به وعده‌های دستگاه حکومت معاویه و یزید

د. هیچ‌کدام

۱۱. امام حسین علیه السلام علت عصیان و نافرمانی مردم از او را چه می‌داند؟

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب ■ ۱۳۱

الف. ترس مردم ب. انباشته شدن شکم‌های مردم از حرام

ج. طغیان و غرور مردم د. جهل مردم

۱۲. چرا امام حسین علیه السلام کوفه را برای قیام انتخاب کرد؟

الف. چون خویشان آن حضرت در کوفه بودند ب. وفاداری مردم کوفه

ج. موقعیت نظامی، جغرافیایی و سیاسی کوفه د. همه موارد

۱۳. چرا امام حسین علیه السلام جان و مال خود را به خطر انداخت؟

الف. بخاطر حکومت بر مردم ب. احیاء دین خدا

ج. امر به معروف و نهی از منکر د. ب و ج

۱۴. آیا لعن قاتلان امام حسین علیه السلام صحیح است؟

الف. جایز نیست ب. جایز است

ج. به صورت علنی نباشد د. احتیاطاً لعن نکنید

۱۵. چرا گروه‌های تکفیری زیارت و توسل را شرکت می‌دانند؟

الف. بخاطر لجاجت

ب. عدم شناخت و برداشت سطحی از عقاید و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

ج. بخاطر دشمنی با ایران

د. همه موارد

۱۶. آیا ساخت گنبد و گلدسته بر قبر بزرگان دینی شرک است؟

الف. اشکال شرعی دارد ب. جایز است

ج. مکروه است د. هیچ کدام

۱۷. ویژگی یک عزاداری خوب چیست؟

الف. به دور از هر گونه بدعت و خرافات باشد

ب. در آنها معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام نقل شود